

سازمان کارگران انقلاب ایران (راه کارگر)  
کمیته کردستان

## درباره درگیری "هورامان"

صفحه ۱۱

# پیش بسوی ایجاد شوراهای مخفی در کردستان

که از آن طریق بتوانند اراده انقلابی  
خود را اعمال کنند . خلق کرد در طی  
پنج سالی که در برابر تهاجمات  
رژیم فکها از حق تعیین سرنوشت و  
خود مختاری برای خود دفاع کرده  
و در مقابل انواع یورشهای ارتجاع  
ایستادگی نموده است ،  
بقیه در صفحه ۲

در زمانی که مسئله اساسی توده ها  
قدرت سیاسی است و در اکثر مجموعه  
شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جامعه ،  
برای براندازی حکومت وقتی که  
تواند به اعمال حاکمیت واحد دولتی  
خود نیست اقدام میکنند آنها متناسب  
با مجموعه شرایط موجود دست  
به ایجاد ارگانها و نهاد های میزنند

تعرض پیشمرگان به پایگاه  
" دارمه کون "

صفحه ۱۲

در این شماره :

مجموعه ۱۹

صفحه ۲۵

اخبار جنبش

پاسخ به نامه ها

# آزادی ، استقلال ، حکومت شورائی

## پیش‌بینی بسوی ...

اشکال گوناگونی از چنین نهاد هلواریگانمایی را  
برجود آورده و از آنها پستابه ابزاری برای اعمال  
اراده خود استفاده نموده است. شوراهایی  
از اصلی ترین نهاد های توده ای بوده که در  
کردستان بوجد آمده و کارکرد انقلابیشان در  
ارتقاء جنبش موثر بوده است چرا که سورا بمنوان  
نهادی که اراده سیاسی توده هادر آن متجلی  
میشود مناسب ترین شکل سیاسی تشکل توده‌ها  
در سرایت وجود قدرت دولانه و شرایطی که  
غی این چند سال در کردستان حاکم بوده و هم  
اکنون نیز ادامه دارد، میباشد.

باشغال شهرها توسط مزدوران رژیم  
تقهها، سوراها در آنها هرچه محدود تروی اثر  
ترگشته ولی در روستاها روند ادامه حیات  
شوراهل و ایجاد شوراهای جدید همچنان ادامه  
یافته است. هر منطقه روستایی به بنسبه  
اشغال دشمن در آمده است شوراهای  
آن نیز از تعرض مزدوران رژیم در  
امان نبوده و با ادامه یافتن تعرض  
رژیم به این مناطق و بیرون آمدنشان  
از دست نیروهای انقلابی شوراهای  
کردستانها نیز همیون سایر  
روستاها در دشمن قرار  
گرفته اند.

اکثر مناطق آزاد به اشغال دشمن  
در آمده است، بجز در محله و در  
روستاها ی آزاد باقی مانده، اکثر  
شوراهای کردستان با یورش  
و فشار رژیم روبرو بوده اند و  
وبسیاری از آنها از این یورش و  
فشارها متاثر گردیده اند.

رژیم خمینی با توجه به  
محدودیت نیرو و امکانات و غیره ای  
که برخوردار است و مشکلات و مسائل  
متعددی که با آن روبروست نمیتواند  
دست به تعرض نهایی به تمامی  
عرصه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی  
و ... کردستان بزند و از اینرو در برابر  
شوراهای موجود سیاستهای مختلف  
و گاه متضادی را در پیش گرفته است.  
اساس سیاست رژیم در مقابل شوراهای  
روستاها ی که پایش بدانها می رسد  
ایجاد شوراهای اسلامی است ولی در  
بسیاری موارد همان شورا های سابق  
را در روستا ابقاء نمود و نام  
اسلامی را نیز بدانها افزوده است. در  
مواردی شوراهای موجود را برسمیت نشناخته  
و خواهان ایت گشته است که شوراهای اسلا  
بر اساس آیین نامه ای که خود ارائه داده  
است بوجد آیند که در اینگونه موارد بکرات  
با مقاومت اهالی روستاها روبرو گشته و در هر حال

در مواردی با جایگاههایی که در ترکیب شررا صورت گرفته، شوراهای جدید شکل گرفته و در مواردی دیگر شوراهایی کاملا اسلامی و زرد بوجود آمده است.

اما مشکلاتی که در رابطه با مسئله شوراهای وجود دارد را تنها با مسائلی که با یورش و فشار رژیم در پیوند است نمیتوان توضیح داد چرا که شوراهای مناطق آزاد موجود و همچنین شوراهای سایر مناطق - در زمانیکه این مناطق در دست نیروهای انقلابی بودند نیز با موانع مشکلاتی روبرو بوده و هستند که بدون برخورد با ضعفهای آنها و حلشان نمیتوان این نهادها را به بهترین وجه در خدمت اعمال اراده توده ها بکار گرفت. شوراهای مناطق آزاد کردستان علاوه بر ضعفهای فرعی از ضعف اساسی برخوردار بوده اند.

اول اینکه این شوراهای بمعنای کامل آن توده ای نبوده اند یعنی نتوانسته اند بیانگر اراده اکثریت اهالی روستا باشند و در اکثر موارد هواداری یا تبعیت از این یا آن سازمان سیاسی ملاک تشکیل یا انتخاب هیئت رئیسه آنها ( که در کردستان تنها بر هیئت رئیسه شورا نام شورا اطلاق میگردد ) بوده است. در نتیجه بسیاری از اهالی یا در انتخابات شورا شرکت نکرده اند یا چنانچه آنها که در این انتخابات شرکت کرده اند

و وجه آنها که نکرده اند بدلیل

نشست های عمری اهالی (مجمع عمومی) که طی آنها بتوانند بطور منظم بر کارکرد هیئت رئیسه نظارت کرده و از حق عزل و نصب هیئت رئیسه در هر زمان که لازم باشد استفاده نمایند، نتوانسته اند در حیطه سیاسی خود نقش مستقیم و موثری داشته باشند. بهمین دلیل شوراهای کردستان نقش بسیار محدود و کم تاثیر داشته و نتوانسته اند به ارگانهای واقعی اقتصاد توده اهالی تبدیل شوند.

دوم پایین بودن عیار رادیکالیسم

این شوراهای که گرچه در ارتباط مستقیم ضعف اول بود، است ولی برنامه و سیاست غلط نیروهای سیاسی در طول زمان نیز بر روی این مسئله موثر افتاده است. در بسیاری موارد مناسب ترین افراد که بتوانند بیانگر اراده انقلابی اهالی باشند انتخاب شده اند و در نتیجه این شوراهای نتوانستند در برخورد با مسائل اجتماعی و سیاسی نقشی در خور این توده و تبلور اراده اهالی روستا باشند، مناسب ترین و رادیکال ترین موضع و راه حل را در برخورد با مسائل اتخاذ کرده و در سازماندهی مقاومت آن توده ها نقش شایسته ایفا نمایند. در بعضی موارد شوراهای حتی از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده و در شرایط

به ایفا نمودن نقش نمایندگی خود تن نداده و اهالی برای حل مسئله خود ناگزیر تن به انتخاب موردی افراد دیگر برای حل مسئله داده اند، افرادی که آنها نیز ضرورتاً شایسته ترین و لایق ترین افراد نبوده اند زیرا بی چهارچوب یک ارگانیم زنده و پسر تحرك انتخابشان صورت نگرفته و این انتخاب چه بسا از روی اضطرار بوده است.

حال ما در برخورد با شوراهای کورستان با دو مسئله و مشکل روبروئیم، یکی تعرضی که رژیم به شوراهای موجود انجام داده و در راستای ایجاد شوراهای اسلامی حرکت میکند، دیگری اینکه همین شوراهای موجود از ضعفهایی (توده ای نبودن و پایین بودن عیار رادیکالیسم) برخوردارند که برطرف نمودنشان همیشه مطرح بوده و باید باشد و این ضعفها تمهید شرایط جدید مناسب ترین شرایط را برای پیشبرد برنامه های دشمن برای تهی کردن کامل شوراهای از مضمون انقلابیستان و تبدیل آنها به شوراهای زرد زائده رژیم فراهم می آورند.

سیاست ما در قبال شوراهای اسلامی که در روستاها ایجاد میشود بکلی ترین شکل باید انحلال این شوراهای باشد ولی باید

توجه داشت که طرز این شعار بدان منسی نیست که از همین امروز هیچگونه مشروعیتی برای هیچ یک از این شوراهای فائل نبوده و تمامی آنها را با یکسان و کارملا ارتجاعی و زرد دانسته و برای هیچیک از آنها فائل بعد داشتن هیچگونه ظرفیت انقلابی نباشیم. همانطور که گفتیم شوراهای موجود در مناطق اشغالی و بینابینی تفاوت بسیاری با یکدیگر داشته و بسیاری از آنها تنها در نام بسا شوراهای مناطق آزاد تفاوت دارند و این بدلیل ناتوانی رژیم در زائده کردن شوراهای مناطق اشغالی و بینابینی است. بنابراین از این شوراهای تا بدانجا که دارای ظرفیت انقلابی باشند و تا آنجا که میتوانند در خدمت بسط مبارزه در برابر دشمن قرار گیرند باید استفاده کرد. باید از چنین ظرفیتی در خدمت سازماندهی مقاومت توده ای استفاده کرد و آنها در خدمت اعمال اراده توده ها بکار گرفت. هر شورایی تا بدانجا که بتواند در خدمت تحقق این امور قرار گیرد تا همانجا نیز باید برای آن مشروعیت انقلابی فائل بوده و از چنین ظرفیتی باید در خدمت پیشبرد امر انقلاب استفاده کرد. هم اکنون روندی که در مورد این شوراهای

این است شعار خلق کرد: خود مختاری شورائی،

در جریان است را میتوان بدین صورت تشریح کرد که رژیم تعرض خود را بدانها آغاز نکرده و تا بدانجا که بتواند خواهد کوشید که آنها را به شوراهای زرد و زائده خود تبدیل کند . رژیم بدلیل محدودیتهایی که با آنها روبروست نمیتواند بسرعت این وظیفه را به انجام برساند و در مقابل نیز با مقاومت توده اهالی در برابر اعمال سیاست خود روبرو میشود که در نتیجه بسیاری از این شوراهای و هر یک در نسبتی ظرفیت انقلابی خود را حفظ کرده اند . در اینجا دوروند در برابر یکدیگر قرار میگیرند و تلاش رژیم برای تبدیل شوراهای به شوراهای کاملاً زرد و مقاومت توده ها در برابر این تلاش اما با توجه به سیری که هم اکنون در عرصه سیاست کردستان مشاهده میشود ، تا کنون روند غلبه سیاست رژیم بر روند مقاومت توده ها در برابر آن ادامه داشته و در ادامه این حرکت ما با هر چه زودتر کردن شوراهای روبرو خواهیم بود زیرا با هر پیشروی رژیم و یا یاز شدن پای آن به هر روستایی امکانات فعالیت انقلابی ارگانهای توده ای پیشکل عینی هر چه محدودتر میگردد . سیاست ما در رابطه با این شوراهای یا بند شرکت و تاثیر گذاری بر روی آنها و هر چه توده ای تر کردن و رادیکال کردن آنها

با تکیه بر ظرفیت انقلابی موجود در آنها باشد تا از این طریق مقاومت توده ها را در برابر ارتجاعی نمودن این شوراهای سازمان دهیم . بهر نسبت که این امر موفق باشد ، بهمان نسبت نیز امکانات اعمال اراده توده ها بسط و گسترش خواهد یافت و در صورتیکه رژیم در تعرض خود موفق شده و بتواند این شوراهای را به زائده خود تبدیل نماید باید از طریق تحریم آنها در جهت انحلالشان تلاش کنیم . توده ها تنها زمانی در مقاومت سازمان یافته خود در برابر تعرض به شوراهای کردستان موفق خواهند بود که دست دشمن را از دخالت در کوچکترین امور شوراهای از جمله تعیین نام اسلامی بر آنها کوتاه نمایند . برای کوتاه کردن دست دشمن در دست اندازی به شوراهای کوردستان باید به توده سازمان یافته در این شورا تکیه نمود و تنها با بزرگترین ضعف ها گذشته و حاضر این شوراهای یعنی غلبه بر توده ای نبودن و یابین بودن عیار رادیکالیزشان میتوان چنین مقاومتی را سازمان داده باید کوشید توده ها را هر چه پیشتر به فعالیت در این شوراهای و شرکت در انتخاب هیئت رئیسه و تلاش برای برگزاری جلسات

کردستان صنعتی ، درایران شورائی

عمومی و نظارت بر فعالیت هیئت رئیسه  
ترغیب نمود و از این طریق است که میتوان به  
سیاستهایی را در یکال در شوراها دست یافت  
مناسب ترین افراد را برای هیئت رئیسه شورا  
انتخاب نمود. و بر فعالیت این هیئت نظارت  
مستمر داشته و از بیراهه رفتنشان جلوگیری  
کرد.

شوراهای موجود در مناطق اشغالی و  
نیمه آزاد که نیروی دشمن در چنین مناطقی  
مستقر بوده و بر روند حرکت توده ها در آنها  
نظارت داشته و در سطوح مختلف نیز دست  
پیدا می کند. این شوراهای عینی  
پس از مدتی موازنه کوشی نیروها که چرخش نیرو  
پس از دشمن است و تا زمانیکه این چرخش نیرو  
بمنفع توده ها چرخش پیدا نکند. چنانچه  
شوراهایی در زیر تیغ دشمن از امکانات و نیرو  
محدودی برخوردار بوده و به محض بنفای  
رفتن عیار را دیگر نیز در آنها با کمترین  
تعرض دشمن روبرو خواهند شد. در نتیجه  
امکانات فعالیت عینی برای نهادهای توده ای  
انقلابی هر چه محدودتر گشته و نمیتوان در  
چنین شوراهایی با فراغت تمام و بدون از  
تعرضات دشمن مجمع عمومی آزادانه تشکیل  
دادن انتخابات آزاد نمود. بر فعالیت شورا  
نظارت دائمی داشت و این حرکت را گسترش  
و عمق داد. به محض گسترش فعالیت انقلابی  
توده ها در این شوراها، یورش دشمن

بدانها نیز اغزایش خواهد یافت و در موازنه  
کوشی که چرخش نیرو بمنفع دشمن است امکانات  
فراوانی در اختیار آنها خواهد بود. تسلط  
حرکت انقلابی این شوراها را متوقف نمایند.  
پس ادامه کاری چنین حرکتی و عمق بخشیدن  
بدان را باید در حوزه دیگری تعمیم نمود.  
حوزه ای که در زیر تیغ دشمن آشکار نبوده و  
بشکلی پنهانی بتواند این ادامه کاری و  
تعمیق حرکات انقلابی توده ها را دنبال  
کند. شوراهای مخفی که از نظر دشمن  
پنهان بوده و امکان اعمال اراده توده ها را  
بشکلی پنهانی فراهم میکند مناسب ترین  
شکل سازماندهی این اراده است.

ایجاد شوراهای مخفی که ضرورت آن را  
موازنه کوشی نیروها و وجود جو سرکوب پس  
مهار حاکم - انزام آورنده است در برابر  
وظایفی که در قبال شوراهای عینی داریم و  
در بالا به آنها اشاره کرده ایم قرار نگرفته  
و ایند و با یکدیگر در مقابل نیستند. پس  
عکس شوراهای مخفی به ادامه کاری و تعمیق  
سیاستهای انقلابی شوراهای عینی یاری  
رسانده و آن بخش از وظایفی که این شوراها  
قادر به انجامشان به شکل آشکار نیستند را  
بشکلی پنهانی به عهد میگیرند و از سوی  
دیگر شوراهای عینی امکانات عینی بهیاری  
در اختیار شوراهای مخفی قرار داده و  
میتوانند پمنا به اهرمی در خدمت پیشبرد

سیاستهای آن قرار گیرند. از روابط شوراهای  
علنی میتوان در خدمت پایه ریزی شوراهای  
مخفی استفاده نمود. بدین نحو که عناصر  
رادیکال و انقلابی درین این شوراها باید یکت  
پیشروان توده ها که در خارج از این شوراها  
نیز حضور دارند دست به ایجاد تشکلی مخفی  
در این رابطه بزنند. این تشکل باید داعی از  
نیروهای مترقی روستا را بدور خود جمع نموده  
و با استفاده از روابط طبیعی آنها ارتباط و  
مبادله نظر داعی بین آنها در رابطه مسا  
مسائلی گوناگون موجود در روستا را تامین نموده  
و بدین ترتیب زمینه اقدامات لازم در مورد این  
مسائل را فراهم سازد. در چنین شرایطی  
شوراهای علنی خود ربه عرصه ای برای پیشبرد  
این برنامه ها تبدیل شده و امکانات گسترده  
ای در خدمت پیشبرد اقدامات توده ها قرار  
خواهند داد. با توجه به پایین بودن عیار  
رادیکالیزم در شوراهای کوشی و توده ای  
نبودن آنها ما باید دو مسئله اساسی یعنی  
پرطرف نمودن این ضعفها و ایجاد شوراهای  
مخفی را توأم و همزمان به پیش ببریم. اگر  
شوراهای موجود از رابطه توده ای برخوردار  
بوده و فاقد ضعفهای فوق الذکر می بودند  
ایجاد شوراهای مخفی بسادگی امکانپذیر بود  
چرا که با استفاده از روابط توده ای جا افتاده  
ای که در طول فعالیت شوراهای علنی شکل  
گرفته بود سرعت میتوانستیم روابط پنهانی مورد

نیاز شوراهای مخفی را بوجود آوریم و توده  
اهالی را به نسبت پیشرو بودن و ظرفیت  
انقلابیشان بصورت دواوری بدور هم جمع  
نماییم که در مرکز این دوایر هسته مرکزی  
شورای مخفی قرار داشته باشند. اما در  
حال حاضر باید از یکسو چنین روابط پنهانی  
پایدار و با مضمون انقلابی ای را در بین  
توده اهالی ایجاد نمائیم و از سوی دیگر  
آنها را بصورت طیفهای در دور هسته  
مرکزی شوراهای مخفی گرد آوریم. در اب  
بین تکیه گاه اصلی ما برای ایجاد چنین  
فاسیاتی و روحیه بالای انقلابی تود  
که با تکیه بدان میتوان عوامل دیگر را نیز  
بکار گرفت. یکی از مهمترین این عوامل همانسا  
روابط و شرایطی است که در اثر فعالیت در  
شوراهای علنی میتوانند بوجود آید. باید  
با بیای ایجاد روابط مستحکم و انقلابی و  
پنهانی در بین توده اهالی مقدمات چنین  
روابطی را در درون شوراهای علنی نیز  
فراهم سازیم و با آماده شدن مقدمات  
اولیه بوجود آمده از این طریق، این روابط  
را در یک شکل مخفی استحکام بخشیده و  
تدام دهیم. در واقع فاسیات اجتماعی  
موجود بین اهالی شرایط را برای پیوند دادن  
زندگی مبارزاتی توده ها فراهم میسازد که  
با تکمیل بد آنها میتوان سازمان یافتگی  
این پیوند را در نهاد های توده ای

متحقق ساخت و شوراهای علنی یکی از مهم ترین وسایلی است که در این راه میتوانند یکبار گرفته شود و این پیوند را بسوی روابط پنهانی مستحکم تر هدایت نماید تا ادامه کاری حرکات سازمان یافته توده ای تضمین گردد روند رادیکال تر نمودن و توده ای کردن شوراهای باید هم در شوراهای مخفی و هم در شوراهای علنی دنبال شود و پیشرفت در هر یک زمینه را برای پیشرفت در دیگری فراهم میسازد ولی با توجه به موازنه کمونی نیروها باید توجه داشت که پایه اصلی حرکت شورایی باید ایجاد شوراهای مخفی باشد.

پیوند شوراهای مخفی و علنی ضامن این خواهد بود اقدامات آنها در یک راستا قرار گرفته و مکمل یکدیگر شوند و در غیر این صورت آیند و حرکت در ضمن اینکه از نیروی یکدیگر خواهند کاست و به آشفتگی در روابط توده ها دامن خواهند زد. از اینرو باید با شاخص های متعدد، شوراهای علنی را به شوراهای مخفی وصل نمود و آنها در راستای اقدامات انقلابی توده ها قرار داد. طبیعی است که سرچشمه دشمن در تشریحش بیست و شوراهای علنی موفق گردد، فاصله این دو شکل بیشتر شده و در بدترین حالت که شوراهای علنی به زائده رژیم تبدیل شوند راستای سیاست شوراهای مخفی در قبایل شوراهای زرد باید انحلال آنها باشد.

شوراهای مخفی باید به ایجاد پیوند و رابطه بین اهالی یک روستا محدود نشود و سعی کنند با شوراهای نظیر خود در روستاهای مجاور ارتباط دائمی برقرار نموده و سیاستهای خود در عرصه های گوناگون را با آنها هماهنگ سازند. چنین پیوند و هماهنگی ای در عالی ترین شکل، خود به ایجاد اتحادیه شوراهای منطقه تبدیل خواهد شد که با قدرتی بالاتر میتواند هماهنگی و پیوند مبارزاتی توده اهالی یک منطقه و شوراهای آنها را برقرار نماید. تلاش برای ایجاد پیوند و ارتباط مستمر بین اهالی یک منطقه را به شوراهای مخفی نباید محدود نمود و شوراهای علنی نیز باید در چنین راستایی اقدام کنند. پیوند بین شوراهای مخفی در یک منطقه میتواند به پیشرفت برنامه های انقلابی در شوراهای علنی آن منطقه یاری رساند و متقابلاً نیز پیوند شوراهای علنی منطقه باید در خدمت پیوند شوراهای مخفی و حتی ایجاد چنین شوراهایی در روستاهایی که ناقد شورایی مخفی هستند قرار گیرد. مناسبات و روابط متعدد طبیعی که در بین اهالی روستاهای یک منطقه قرار دارد بستری است که به استعاده از آن باید پیوند شوراهای مخفی و شوراهای علنی در سطح منطقه را بوجز آورد.

در روستاهای ضابط آزاد باید از



طریق بز طرف نمودن و وصف اساسی شوراهای یعنی توده ای نبودن و پایین بودن عیار رادیکالیزمشان آنها را به ارگانهای واقعی اعمال اراده توده ها تبدیل نمود . داشتن نشستهای عمومی اهالی روستا ( مجمع عمومی شورا ) و تبادل نظر و اتخاذ تصمیمات در این نشستها مانند انتخاب هیئت رئیسه شورا در آنها و نظارت دائم بر فعالیت این هیئت که میتواند به استفاده از حق عزل بخشی یا کل آن ضجر گردد روندی است که تبدیل شوراهای کونی به ارگان اعمال اراده توده ها را امکانپذیر می سازد .

اگر در شوراهای علنی امکان نشست عمومی ، انتخابات و عزل و نصب بر اساس رای کلیه اعضاء شورا و نظارت بر فعالیت غیبت رئیسه در نشستهای عمومی امکانپذیر است ، شوراهای مخفی در این رابطه از محدودیت هایی برخوردار خواهند بود . بدلیل شکل مخفی فعالیت این شوراها امکان نشست عمومی تقریباً غیر ممکن بوده و روابط پنهانی مستمر بین اعضاء آن و برخورد و تصمیم گیری از طریق این روابط جایگزین آن میگردد . اگر در شوراهای علنی اصل انتخابات بطور کامل میتواند رعایت شود در شوراهای مخفی اعتماد انقلابی که ناشی از عملکرد انقلابی پیشروان اهالی است جایگزین آن شده و گرچه از انتخابات نیز تا حد اکثر

ممکن باید استفاده شود ولی در بسیاری موارد اعتماد انقلابی است که جایگزین حق رای و انتخابات خواهد شد . اگر بررسی فعالیت هیئت رئیسه شوراهای علنی در مجمع عمومی امکان پذیر است در شوراهای مخفی به عملکرد هسته مرکزی شورای مخفی باید اکتفا شده و توده اهالی از طریق مشاهده و بررسی عملکرد و اقدامات و نتایج اقدامات آنها امر نظارت بر فعالیت این هسته را انجام خواهند داد و از طریق انعکاس نظرات خود در روابط پنهانی موجود نظر خود را در روند حرکت شورا تاثیر خواهند بخشید . بطور خلاصه در شوراهای مخفی روابط پنهانی و انعکاس نظرات در این روابط و نظارت بر عملکرد شورا و اعتماد انقلابی تا حدود بسیاری جایگزین نشستهای عمومی و بررسی مسائل در این نشستها و بکارگیری از اصل انتخابات بطور کامل خواهد شد .

وظایف شوراها نیز در کلی تیرین شکل خود عبارتند از سازماندهی مقاومت توده ای ، مقابله با فشارهای رژیم از طریق سازماندهی این مقاومت ، اداره امور عمومی روستاها ، بسیج مردم برای اعمال فشار بر رژیم در باره خواسته های گوناگون از ارزاق عمومی گرفته تا مسائل رفاهی و خرید و فروش ، تلاش برای ایجاد تماسی های روستایی از

تا ادارات و مدارس و ... را باید ایجاد نمود تا مقاومت انقلابی توده های شهری در مناسب ترین شکل آن سازمان یابد .  
با ایجاد شوراهای مخفی در سراسر کردستان ، خلق قهرمان کرد را در راه سرنگونی جمهوری اسلامی سازمان دهیم و از راه انقلابی آنها را در عرصه سیاست کردستان اعمال کنیم ●

نمایند و از گروه سیاسی معینی حمایت مادی و معنوی نمایند . و هیچکس و هیچ نیروئی حق سلب چنین حقی را از توده های مردم ندارد .  
شهادت چنین حالتی و بارعایت نکات فوقی است که - تا حل ریشه ای مسئله - میتوان امکان تکرار چنین درگیری و فاجعه های را به حداقل رسانید و زمینه را برای حل قطعی آن و ریشه ای مسئله از راه اصولی و منطقی آن فراهم آورد و شرایطی را ایجاد نمود که تمامی نیروها منجمله حزب دموکرات و کومه له بتوانند تا آنجا که منافع انقلاب ایجاب میکند - در مقطع مشخص کنونی ، علیه رژیم ددمنش فقها - دوش به دوش یکدیگر به مبارزه بپردازند و سلاحهای خود را ، در کنار یکدیگر علیه دشمن مشترک نشانه روی نمایند .

تعاونی فروش گرفته تا تعاونی های خرید و فروش که در عالی ترین شکل خود به تعاونی های تولید تبدیل خواهند شد ، حمایت از جنبش مسلحانه و رساندن انواع کمکها به پیشمرگان و ...

در شهرهای کردستان نیز اشکالی سازماندهی مقاومت توده ای را باید برپایه مخفی استوار کرد که در این بین شرراهای مخفی در عرصه های مختلف از محلات گرفته

## درباره درگیری ...

ترویج آن تلاش نماید و در این راه حتی آراء و عقاید دیگران را به نقد و بررسی بکشاند و آنرا مورد تحلیل قرار دهد . در مورد چنین درگیری هایی نیز به موضع گیری بپردازد و نظرات خود را پیرامون علل و مقصرین درگیری براساس توده های مردم روشن نماید و این حقوق مسلم ، با تعداد اعضا یا هواداران آن نیرو مشروط نمیکرد . چرا که حتی یک نفر نیز به تنهایی چنین حقی را ندارد و هیچکس محق نیست و نباید این حق مسلم را از او سلب نماید چه رسد به یک نیروی سیاسی .

توده های مردم از طریق آگاه شدن از آراء و عقاید گروههای سیاسی بعد و راز جو سازی های مخرب و تشنج آفرین - است که میتوانند آگاهانه و آزادانه راه خویش را انتخاب

## درباره درگیری ...

در شرایطی که رژیم درنده خوی جمهوری اسلامی تمام توان خود را بکار گرفته تا بس دست زدن به وحشیانه ترین جنایات و یورشهای درمنشانه و مقاومت سفحانه توده ای در کردستان را که استوار و پسا برجا در برابر حاکمیت ارتجاعیست برافراشته، درهم شکسته و از میان بردارد درگیری دیگری میان پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له - اینبار در نرسود و در آخرین هفته آبانماه - بوقوع پیوست و فاجعه آفرید فاجعه ای که صرف نظر از علل مشخص ریشه ای و در پیشگاه توده های مردم و انقلاب محکوم و غیر قابل دفاع و توجیه است چرا که علاوه بر پخاک و خون کشیده شدن تعدادی از فرزندان راستین انقلاب و توده های مردم و زمینه را بطور جدی برای انشقاق کامل و درگیریهای خطرناکتر میان نیروهای انقلاب فراهم میآورد.

تودیدی نیست که این قبیل درگیریها که هرازگاه بوقوع می پیوندد و بشکلی چنین فاجعه یلر خود را نشان میدهد و ریشه در سیاستهای انحرافی و نادرست طرفین دارد گنبدی دارد. این سیاستها نیز به نوبه خود به ارزیابی و توقع و تحلیل هر يك از طرفین

درگیر - چه از خود و چه از طرف مقابل باز میگردد.

واقعیت اینست که مجموع عوامل تاریخی و اجتماعی کردستان و حزب دمکرات و کومه له را به دنیوی اصلی جنبش کردستان تبدیل کرده و هر يك از آنها میکوشند هزمونی و رهبری خود را - و هر يك به شیوه خود - بر جنبش ملی و محلی کردستان اعمال نمایند اما - همانگونه که ما در شماره پنج همین نشریه و در مقاله "تکرار يك فاجعه" پیامون درگیری ده ماه پیش این دنیویوب تفصیل بیان کردیم - از آنجا که حزب دمکرات و نه کومه له برای اعمال هزمونی و رهبری خود و بطور واقعی به تشکلهای توده ای، که حاکمیت توده های مردم در آنها عرصه عملی وجود می یابد، تکیه نکرده و بنا بر این بجای تمکین به حاکمیت توده ای و تلاش در جهت بدست آوردن هزمونی و رهبری از طریق اصولی - که عبارتست از نفوذ و بدست گرفتن رهبری در تشکلهای توده ای، از راه اتخاذ تاکسیکهای که در خدمت پیشبرد خط و برنامه هر سازمان سیاسی است - به نیروی سازمانی خویش، که در شرایط کمونی کردستان عمدتاً نیروی نظامی است، تکیه می نمایند.

با تکیه و تاکید بر این واقعیت است که روشن میگردد بدون تلاش در جهت فراهم آوردن شرایط و تمکین به حاکمیت توده ها، زمینه حل ریشه ای مسائلی از این قبیل فراهم

نیامد، و امکان تکرار چنین فاجعه های همچنان باقی خواهد ماند. این بدان معنی نیست که با تمکین به حاکمیت توده ها، امکان تکرار چنین درگیری هائی بطور کلی از میان خواهد رفت بلکه بدان معنی است که متناسب با اقتضا در هر چه بیشتر و تمکین به حاکمیت توده های مردم، سیاست تکیه بر سلاح کمزنگتر شده و بدین ترتیب زمینه های درگیری کاهش خواهد یافت و همچنین هر یک از طرفین درگیر، متناسب با انحرافی بودن سیاستهای در قبال مسئله درگیری، مورد فشار توده ای قرار خواهد گرفت و بدین ترتیب متناسب با فشاری که بر سیاستهای انحرافی در میان توده ها منبوی خواهد گردید تا آنجا که حتی ممکن است در اثر فشار توده ها حتی امکانات فراهم آوردن زمینه چنین درگیری هائی را عملاً از دست بدهد اما گذشته از اینکه هر یک از این دو نیرو اصلی فعال در کردستان ایران ( یعنی حزب دموکرات و کومه له ) تا چه حد در بلند مدت - و متناسب با ماهیت طبقاتی خویش دست از سیاستها و ارزشهای نادرست خویش - که باعث بوجود آمدن چنین فاجعه های میشود - بردارند و بحاکمیت توده ها تمکین نمایند و بر الزامات عینی و عملی مبارزه گردن نهند، حداقل توقعی که - در کوتاه مدت - میتوان از آنها داشت اینست که آنها حداقل با توجه به منافع واقعی انقلاب در حوزه

تا کنیک از خود انعطاف نشان داده و حتی اگر تن به همکاریهای ضروری با یکدیگر بدهند - که باید بدهند - زمینه های درگیری مجدد را کاهش داده و به حداقل برسانند. در این راه و زمینه طرفین باید از دست زدن به جوسازی تبلیغاتی علیه یکدیگر که باعث تشتت و تشنج هر چه بیشتر در روابط عیالی - بویژه در حوزه روابط پیشمرگان سازگاریافته طرفین - میگردد احتراز جویند و توجه داشته باشند که اگر چه علت عمده درگیری پیشه در تحلیل و ارزیابی هر یک از طرفین - نسبت به خود و طرف دیگر درگیری است - دارد و میتوان خط مسلط انحرافی هر یک از طرفین را تا حدودی که در این رابطه نقش تعیین کننده دارد افشاء و محکوم نمود، اما در هر مورد مشخص که درگیری بوقوع پیوندد آنها را به توطئه ای از پیشتر طرح ریزی شده نسبت بماندن خطای فاحشی در جهت تشنج آفرینی و نشانگر عدم احساس مسئولیت در قبال گسترش درگیری است. چرا که برای هر کسی که از تمامی درگیری هائی که تا کنون میان حزب دموکرات و کومه له رخ داده، و انسداد اطلاعی داشته باشد، روشن است که نه شروع و نه حتی ادامه این درگیریها بانه قبلی - حداقل رهبری هر یک از طرفین - نبوده و بنا بر این وارونه نشان دادن این واقعیت، جز به گسترش تشنج منتج نخواهد شد.

توده های مردم با توجه به آن بتوانند به قضاوت آگاهانه و آزادانه بنشینند و بر سیاستها متخذ و از طرف نیروهای درگیر نظارت مداوم داشته باشند و ببینند که کدامیک از طرفین به تغییر سیاستهای انحرافی خویش در این رابطه همت خواهد گذاشت و مقصرین را به مجازات خواهد رسانید، نه تنها به جوسازی و تشنج آفرینی دامن نخواهد زد بلکه حتی آنها نیز محکوم خواهد نمود، در صورتیکه اعمالی از قبیل اعدام اسرا در میان باشد، آنها شدیدا محکوم کرده و عاملین آنها را به مجازات میرساند و ...

از طرف دیگر، مذمم و محکوم دانستن تکیه بر بازوی نظامی و ایجاد درگیری های نظامی، بویژه در شرایط کنونی که جنبش خلق کرد با ایثار و حشیانه رژیم قهقها مواجه است، معنائی جز تأکید و افشاری بر حل مسالمت آمیز مسائل و اختلافات نمیابیند که تنها راه حل درست است - ندارد - در این راه - یعنی در راه حل مسالمت آمیز چنین مسائلی - احترام به پایداری ترین اصول دموکراسی یعنی آزادی عقیده، بیان و قلم، نقش اساسی و مهم ایفا میکند. باید قبول داشت که حق مسلم و بلا تردید هر نیروی سیاسی است که در راستای انقلاب عقیمند، خویش را داشته باشد و در جهت تبلیغ و

و بهمین دلیل نیز محکوم است .  
در عین حال، در موارد مشخص میتوان به دایره نشست و تلاش در جهت دستیابی به راه حلها - اگر چه مقطعی - از گسترش و تکرار درگیری <sup>مکرری</sup> تکرار در این زمینه باید جز خود، دیگران را نیز به قضاوت فرا خواند و توجه داشت که اگر چه تعیین و فرستادن هیئتی برای بررسی علل درگیری و تبیین ما و قسح، مثبت و ضروری است ولی محدود ماندن آن به دو گروه، درگیر، به نتیجه نمی رساندش .  
باید به قضاوت دیگران احترام گذاشت و آنها را قبول کرد .

این بدان معنی نیست که هر گروه سیاسی نمیتواند و یا نباید منفرداً به ابراز نظر در این مورد و حتی تعیین مقصداً اصلی - در هر مورد مشخص یا بطور کلی - بپردازد، آنها برای توده های مردم توضیح دهد و موضع گیری نماید، بلکه بدان معنی است که ابراز عقیده و موضع گیری آنها مستقل از طرفین درگیر عملاً به نتیجه نرسیده و بی ثمر خواهد ماند .  
بهمین دلیل است که طرفین درگیر باید ضمن احترام به رای و نظر دیگران تن به انتخاب هیئتی مورد توافق طرفین داده و شرایط تحقیق و بررسی را برای آن فراهم آورند تا این هیئت بتواند عین ماجرای درگیری را برای توده های مردم روشن نموده تا آنکه

## از مبارزات عمده لائحه خلق کرد دفاع کنیم!

رژیم ارتجاعی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی که از بدو به مسند قدرت نشستن، مقابله و سرکوب انقلاب و مبارزات حق طلبانه خلقها را آغاز نموده است، همواره با سبعمانه ترین شیوه های غیر انسانی به سرکوب انقلاب در کردستان، در مقاومت انقذب و پرداخته است. رژیم اسلامی به هر طریق ممکن سعی داشته و دارد که نیروهای مسلح توده ای را یه نابودی بکشاند که هر روز اعمال آن ابعاد وحشیانه تری می یابد و در مقابل آن مقاومت خلق قهرمان کرد است کسسه خود نمایی می کند.

رژیم اسلامی که از یک طرف در هنگام سرد بودن نبرد در جبهه های جنگ ایوان و عراق برای حفظ "موقعیت جنگی"، در مقابل خواسته های روزافزون توده ها از داغتر نمودن تصور جنگ در کردستان استفاده می کند، از طرف دیگر بخوبی آگاه است که جنبش خلق کرد در هنگام اعتلا، مجدد انقلابی سراسری جامعه ضربه کاری ای به او خواهد زد و او را کیلومترها به خارج از منطقه کردستان پرتاب خواهد نمود و سوراخهای انقلابی را به پا خواهد داشت.

در این رابطه رژیم فقها تاکنیک ضد انقلابی جدا کردن نیروهای مسلح پیشمرگه از توده های کرد را پیشه نموده است. کوچاندن اجباری ساکنان روستاهای کردستان آغاز یک سلسله اقدامات ضد انقلابی در این زمینه است.

خلق کرد با تشکلهای سازمان یافته توده ای خود بمشابه سنگرهای پایدار مقاومت در کردستان به عنوان پشت جبهه میتواند نیروهای نظامی پیشمرگه را یاری دهد و تاکنیک رژیم را خنثی سازد.

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پس از تخلیه اجباری روستاهای بیوران پایین و سیسرونستان به جنوب کردستان و آواره کردن اهالی این روستاها از خانه و کاشانه اشان در ماه گذشته اهالی روستاهای مناطق "آلان"، "گورک"، "سرسنایه تی" از توابع سردشت مجبور به کوچ نموده است و به ساکنان حدود ۱۰۰ روستای دیگر جهت تخلیه روستاهایشان اخطار داده است، که با مقاومت وسیع خلق کرد روبرو شده است و متعاقب آن این رژیم جنایتکار دست به یتموپ و خیاره بستن روستاها زده است که باعث خسارات جانی و مالی فراوان گشته است. اعمال ضد انقلابی و ضد انسانی رژیم همچنان ادامه دارد و دلوری های خلق کرد نیز تا زمانیکه

- به همراه تمامی خلقهای ایران پوزه رژیم اسلامی را به خاک نمالد پایان ندارد .
- جنبش اعمال ارتجاعی که با جدا کردن بیشمرگان از توده های کورد و به خاک و خون کشیدن آنها قصد درهم شکستن مقاومت انقلاب در کوردستان قهرمان را دارد ، در اراده آهنین خلقی قهرمان کوردستان مؤثر نخواهد بود .
- سازمان انقلابی ایران ( راه کارگر ) - واحد هانور ، با شرکت در این تظاهرات همبستگی خود را با جنبش خلق کورد و اهالی این روستاها اعلام نموده و اعمال جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می نماید .
- ما سرکوب خلق کورد در منطقه ( ایران ، عراق ، ترکیه ) و بخصوص همکاری های اخیر دولت ترکیه با رژیم اسلامی ایران را در سرکوب خلق کورد محکوم می کنیم .
- ما هرگونه همکاری و تقویت رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی ایران را محکوم می کنیم .

سزنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران !  
 هرچه گسترده تر باد مقاومت انقلابی خلق قهرمان کورد !  
 خود مختاری برای خلق کورد ، دمکراسی توده ای برای ایران !  
 صلح ، صلح ، آزادی ، حکومت شورایی !

سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر )

کمیته خارج از کشور " واحد هانور "

۲۷ اکتبر ۱۹۸۴

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

## زندہ باد مہارہ رزہ رھائی بخش خلق کُرد

بعد از روی کار آمدن رژیم ارتجاعی اسلامی در ایران، کردستان ایران<sup>بطور</sup> مداوم صحنه تاخت و تاز ارتش و پاسداران بوده است. اما تا به امروز با مقاومت انقلابی خلق کُرد و پیشمرگان قهرمان همه حملات و یورشهای ضد انقلابی رژیم شکست خورده است.

بدین سبب رژیم ارتجاعی خمینی دست به اقدامات ضد بشری دیگری زده است، با نایغ نگهداشتن حالت جنگی برای جلوگیری از مقاومت روبه گسترش مردم و سرکوب کردن کردستان و مقاومت انقلاب ایران در مناطق "آلان"، "گورک"، "سوسنایه تی"، اهالی حدود ۱۰۰ روستا را با تهدید به بمباران یا خپاره و توپ وادار به کوچ اجباری در مدت تعیین شده کرده است.

هدف رژیم اسلامی از این اقدامات روش است: جدا کردن نیروی پیشمرگه از توده ها و محروم کردن آنها از حمایت توده ای و در نتیجه سرکوب و نابود کردن نیروی پیشمرگه. غافل از اینکه خلق کُرد پیشمرگان قهرمان خود را تا بحال تنها نگذاشته و بعد از این هم تنها نخواهد گذاشت. این بار هم حمایت خود را از پیشمرگان حفظ کرده و با گسترش سازماندهی مقاومت توده ای در روستاها و شهرها، اقدامات جنایتکارانه و ضد بشری رژیم را خنثی خواهد کرد.

خلق کُرد نه فقط از جانب رژیم جمهوری اسلامی ایران بلکه در ترکیه و عراق نیز با حملات شدید و فزاینده ای روبرو است. رژیم ترکیه به اسم "اپراسین" دست به قتل عام، دستگیری و شکنجه هزاران نفر از مردم کردستان زده است. ارتش ترکیه یک بار دیگر با تعقیب کردن مبارزان کُرد تا داخل خاک عراق دشمنی خود را با خلق کُرد و به اسم پیمان ناتو و نیروی سرکوب او، با دیگر خلقهای خاورمیانه نشان میدهد. اما مبارزات مخلوق کُرد و دیگر خلقهای منطقه ایمن یورشها را خنثی خواهد کرد و پیروزی از آن طبقه کارگر و خلقهای زیر ستم خواهد بود.

به این مبارزات کمک کرده و فعالانه از آن حمایت نمایم.

زندہ باد جنبش رھائی بخش خلق کُرد !

زندہ باد انتہا سیم پرولتری !

ھواداران سازمان رھائی بخش ترکیه و کردستان شمالی (کورتولوش) - هانور

ھواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راہ کارگی) - هانور

۲۷ اکتبر ۱۹۸۴



## تعرض پیشمرگان بیه پایگاه "دارمه کون"

پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر) در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر روز ۲۳ آذر با استفاده از مژده آلود بودن هوا تانز یکی سنگرهای پایگاه " دارمه کون " پیشروی کردند . این پایگاه در پشت آبادی " دارمه کون " در منطقه سو سنیان سردشت قرار دارد که منطقه ای بشد نظامی بوده و دشمن پایگاه ها و نیروهای بسیاری در آنجا مستقر نموده است . پیشمرگان پس از رساندن خود به نزدیکی سنگرهای دشمن ، حمله خود را به پایگاه آغاز کرده و آنرا در زیر آتش تند سلاحهای خویش قرار دادند . تعرض سریع پیشمرگان مزدوران دشمن را از دست زدن بسعه عکس العمل سریع باز داشته بود . ابتدا باتیربار قناسه بمقابله با پیشمرگان برخاستند و پس از مدتی به کوبیدن مواضع پیشمرگان با انواع سلاح های خود پرداختند . پیشمرگان هم چنان سنگرها مواضع دشمن را می کوبیدند و مزدوران مستقر در پایگاه با شدت هرچه تهاضر مواضع پیشمرگان ر بزیر خمپاره باران گرفته بودند ولی آتش دشمن در برابر تعرض سریع پیشمرگان کارایی نداشته و پیشمرگان هم چنان به حملات خود ادامه میدادند .

پس از پایان عملیات پیشمرگان با حفظ آرایش خود ، منطقه درگیری را ترك نمودند و دشمن جنایتکار تامدتی طولانی منطقه را با خمپاره و سلاح های دیگر میکوبید که زبانی بدنبال نداشت . از تعداد کشته و زخمی های دشمن در این عملیات اطلاعی در دست نیست و به پیشمرگا هیچگونه آسیبی وارد نیامده و همگی سلامت از منطقه درگیری خارج شدند .

سرنگون بادر رژیم جمهوری اسلامی ایران !  
 پرقرار ساد جمهوری دیکراتیک توده ای !  
 پیرز بساد مبارزات عادلانه خلق کسرد !  
 سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر ) - کمیته کردستان

۱۳/۱۰/۴

سرنگون بادر رژیم جمهوری اسلامی ایران

## گرامیداشت ...

روزه ۲ آذر سومین سالروز شهادت رفیق جمال بهمن پور (کاک خیر) بود که در خانواده ای متوسط در شهر سمنج بدنیا آمده و پرورش یافت و در خرداد سال ۵۹ و زمانیکه هنوز بسیار جوان بود به تشکیلات رزنده "راه کارگر" پیوست و تحت رهنمرد های تشکیلات و باتلاش پیگیر به ارتقاء آگاهیه های تشریح و سیاسی خویش پرداخت و باتلاش در جهت انجام درست و صلح قانه وظایف تشکیلاتی و سازماندهی مبارزات توده ای - چه در مذهب و چه در کوچه و خیابان - اخلاقی و شهادت بسیاری از خود نشان داد تا آنکه طی مدت کوتاهی توانست استواری و توانائی خویش را در بعهده گرفتن وظایف خطیر به ثبوت برساند .

رفیق جمال رابط میان تشکیلات شهر با پیشمرگان و تشکیلات کوه سازمان گردید و در این راه نیز قداکاری و بیگیری بسیاری از خود نشان داد تا آنکه وقتی در آخرین ماه هجرت به همراه یکی از رفقای همزمش در مقر پلیس راه سمنج مورد بازرسی قرار میگیرند پاسداران مستقر در پلیس راه در پی یافتن چند نشریه جاسازی شده در ماشین و آنها را دستگیر و

به زندان ( ساواک سابق ) میبرند و رفیق جمال با مهارت و جسارت و مسئولیت اسناد یافته شده رابه گردن میگیرد و با پافشاری برای نیکه رفیق همراهِش راننده ساده ای بیش نبوده و وسایل هیچ ارتباطی ندارد و پاسداران رازیر گانه میفریبند و موجبات رهائی اواز زندان رمزگی حتی - را فراهم می آورد .

پاسداران پس از یافتن تمامی اسناد و مدارک جاسازی شده در ماشین و خشمگین از فریبی که خوردند و وحشیانه تراز پیش رفیق جمال را تحت شدیدترین شکنجه های قرون وسطائی میبرند و شدت شکنجه ها یجدا بود که رفیق جمال دوبار به بیمارستان انتقال یافت . اما دیگر کار از کار گذشته بود و رفیق همزم جمال در نتیجه زبری و قداکاریهای او به صفوف رزمندگان خارج از زندان پیوسته بود .

بالاخره رفیق جمال بهمن پور ( کاک خیر ) را در تاریخ ۶۰ / ۹ / ۲۵ به همراه چند تن دیگر از انقلابیین در شهر سمنج و مقابل جوخه اعدام قرار دادند .

دوخیمان رژیم که حتی از تن بی جان آنان نیز در هراس بودند ، اجساد پاک آنان رابه قروه برد و در آنجا به خاک سپردند و در همین رابطه بود که پس از مدتی سنگ قبر آنان

بقیه در صفحه ۲۰

# اخباری از جنبش کارگری و تنوذهای سراسری

به نقل از نشریات منطقه ای وابسته به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

امجدیه شده و کنترل را از دست پلیس خارج کردند. در چنین وضعیتی، بر پایه اعلام گردید که ادامه مسابقات، بدون بلیطه هفته آینده در ورزشگاه آزادی انجام خواهد شد. اعلام این خبر موجب گردید تا درگیری و تشنج بالا گیرد.

مردم ضمن دادن شعار، دروازه هارا خراباندند، شیشه ها را شکستند، شیندگه را پاره کردند، تشکهای ورزشی را به آتش کشیدند، به ماشینهای آتزنشانی اجازه ورود نداده و رودر روی پلیس ایستادند و ادامه تظاهرات را تا خیابانهای جمهوری اسلامی و کارگر، گسترش دادند!

این انفجار پر خروش مردم نشان داد که سلطه اختناق و حضور شبانه روزی ارگانهای سرکوب رژیم موجب شده است تا مردم از هرقری برای ابراز نا رضایتی خود

## ● شور شا مجسدیه

روز سه شنبه هفده مهر، ورزشگاه امجدیه و خیابانهای اطراف آن در تهران شامسند انفجار چشم فرو خورده توده های عظیم مردم عاصی بود. روزنامه های رژیم مثل همیشه، کوشیدند با کم رنگ جلوه دادن این حادثه مهم، آن را در چهارچوب یک اعتراض ورزشی محاصره کرده و علت بروزش را نتیجه "القائلت" مفسرین ورزشی جا بزنند!

اما این تظاهرات شصت هزار نفری، چنان ابعاد عظیمی داشت که روزنامه های رژیم، از جمله کیهان و اطلاعات را ناچار کرد تا گوشه ای از آن را منعکس کنند! کیهان می نویسد وقتی ظرفیت محوطه با حضور سی هزار نفر تماشاچی تکمیل شد، سی هزار نفر دیگر از مردم پشت در ماندند. غیر غم مقاومت پلیس آنان از درود یواز<sup>وارد</sup> محوطه

( شماره ۸ )

استفاده کرده و نفرت خود را از رژیم فقهی اعلام کنند . مسلماً علیرغم ادعای رژیم ، تاخیر روز مسابقه موجب چنین انفجاری نمی شود ! علت آن را باید در گزانی ، جنگ ، بیکاری و فقدان هر نوع تفریح سالم و هزاران عامل ریز و درشت دیگری جستجو کرد که رژیم فقهی برای مردم به ارمغان آورده و عرصه را بر آنان تنگ کرده است . شورش امجدیه ، تنها تظاهرات ورزش دوستان بخاطر تماشای بازی فوتبال نبود ، بلکه نمایی از توان توفنده هزاران مرد بود که می خواستند به ولایت فقیه " بزنند ! امکان تجمع صحت هنر از نفرت مردم آن اهرم نیرومندی بود که این از این بیان را به نمایش گذاشت و نشان داد که تنها با اجتماع یک پارچه مردم می توان عملکرد ارگانهای سرکوب را مختل کرده و میدان مانورشان را گرفت !

این شورش تنها یک تصادف نیست ، بلکه تجلی خشمی است که هر جرقه ای میتواند آن را مشتعل کرده و توده ها را به صحنه آورد ، و در گسترش خود به طوفان بزرگ نزدیک شود . نیروهای انقلابی می باید با حضور دائمی خود در اجتماعات مردم ، این خشم انقلابی خود انگیزخته را از طریق شرکت فعال و سازمانگر و ارتقاء شمارها ، جهت داده و عمیق بخشند .

( به نقل از نشریه " راه کارگر " - ارگان مرکزی

● اعتصاب کارگران شهرک صنعتی آلیش گساز کارخانه آلیش گاز که تولید کننده اجاق گاز می باشد ، با داشتن حدود ۴۰۰ نفر کارگر و کارمند در دست بخش خصوصی است . صاحب این کارخانه حاجی جلیلی است . در عید سال ۶۲ بعلت خرابی کوره بدت ۱۵ روز کارخانه را علیرغم ناراضی بودن کارگران تعطیل میکنند . در مرداد ماه امسال کارگران خواهان تعطیلات تابستانی میشوند ولی مدیریت میگوید : " شما دیگر مرخصی طلب ندارید " . این امر باعث میشود که کارگران از وزارت کار نامه ای مبنی بر اینکه تعطیلات تابستانی حق کارگران است ، می آورند و به این ترتیب مدیریت را مجبور به دادن یک هفته مرخصی میکنند . اما هنگام پرداخت حقوق ، ۴ روز از ۷ روز مرخصی را بدو ن حقوق حساب کرده و مزد پرداخت نمی کنند . این مسئله باعث میشود که کارگران قسمتها ی سپر سازی و پرسکاری که در حدود ۸۰ - ۷۰ نفر کارگر را در بر میگیرد از روز شنبه سوم شهریور ماه دست به اعتصاب بزنند . این اعتصاب علیرغم عدم حمایت قسمتها ی دیگر سه روز ادامه می یابد . در روز دوشنبه پنجم شهریور ، مدیر کارخانه با تلفن از یاسداران

کمک خواسته و آنها منتظر به کارخانه هجوم می آورند . و در برخورد با کارگران میگویند :  
 " این عمل شما ضد انقلابی است و در موقعت جنگی ، باید اعتصاب کنید . شما ( کارگران ) می توانستید با ادامه دادن کارتان ، این مساله را با مدیریت در میان بگذارید . " پاسداران به مدیریت می گویند که شما موظف به پرداخت حقوق قانونی کارگران هستید . این جریان باعث میشود که مدیریت حقوق آن ۴ روز را پرداخت نماید ولی اعلام می نماید که هر ماه ۱۰۰ تومان کسر خواهد کرد ، ناکفته نماند که رژیم در حمایت از حاج جلیلی ۲۰ میلیون تومان علی الحساب به وی وام پرداخت کرده که کارخانه را نخواهد .  
 ( به نقل از : " زندگی نوین " ( ۷ ) شهریور ۶۳ - ارگان هواداران سازمان - شرق تهران )

### اعتراض کارگران

به تغییر ساعات کار کارخانه کاشی سازی (گیلان) یکی از چندین کارخانه واقع در شهر صنعتی رشت است . بناسبت ماه رمضان ، مدیریت کارخانه ساعت کار کارخانه را تغییر داده و در ۲ شیفت ۶ تا ۱ بعد از ظهر و از ۱ تا ۸ شب و در مقابل کارگران میباید روزهای

۵شنبه کار نمایند . روز شنبه دوم ماه رمضان ، کارگران مشاهده میکنند که ساعت کار واقعاً تغییر پیدا کرده است . در روز یکشنبه کارگران همگی بعد از اتمام کاری یعنی در ساعت یک بعد از ظهر ، لباس کارشان را در نمی آورند و ضمن تجمع و صحبت با یکدیگر تا ساعت ۲ بعد از ظهر در کارخانه میمانند . ساعت ۲ بعد از ظهر سرویس کارمندان بنا به دستور مدیریت حرکت نمی کند و لذا کارگران جهت اعتراض در جلوی دفتر جمع میشوند . " پیراسته " که قبلاً یکی از مسئولین کارخانه " بی یو " بوده است - مسئول اداری این کارخانه با یک حالت خق به جانب شروع به صحبت با کارگران مینماید . ولی اعتراض کارگران سبب تغییر شیوه برخورد او شده و ملامتنامه می گوید : " چرا چند نفر از کارگران شیفت بعد از ظهر کارشان را ول کرده اند و اینجا حضور دارند و ... کارگران پاسخ او را یکی پس از دیگری مضمأنه میدادند . " پیراسته " میگفت : " این دستور مدیو کارخانه " رجشاء " است و اکنون او در ماوریت است ، اگر آمد با او صحبت میکنم " پس از این گفتگو سرویس کارمندان اداری را در اختیار کارگران - می گذارد . فردای آن روز " پیراسته " یک اطلاعیه تهدید آمیزی نوشت که مجدداً عده ای از کارگران با خشم جهت اعتراض

پیش اورفتند که: "اخلالگر یعنی چه؟" و  
تیراسته "بهبان آورد که شما بد استنباط  
کردن و ایدان -  
(به نقل از "پیام زحمتکشان" (۷) خرداد  
ماه ۶۲ - ارگان هواداران سازمان گیلان)

● کارگران علیه جنگ

- در کارخانه "سپهر الکتریک" آذربایجان  
طی اطلاعیه ای از کارگران میخواهد که مبلغ  
۱۰۰ تومان از پول ناهار خود را به جبهه ها  
کمک نمایند. کارگران بمحض مشاهده اطلاعیه  
مزبور دست به اعتراضات پراکنده میزنند. انجمن  
اسلامی زمانیکه از وجود با اطلاع میشود  
برای جلوگیری از اعتراضات طی سخنرانی از  
کارگران میخواهد هر کس که مایل است به جبهه  
ها کمک کند، اسم او را بنویسد، اما هیچیک از  
کارگران دست خود را بالانمی برند.  
رئیس انجمن اسلامی یا مشاهده موضع تحریم  
کارگران، مذبحخانه صحبت خود را عوض کرده و  
به مسائل دیگری پرداخت.

- در کارخانه "غرش پارس" در تاریخ ۲۲ تیرماه  
یک آخوند از طرف ارشاد اسلامی جهت  
سخنرانی و اغفال کارگران برای رفتن

به جبهه ها، به کارخانه آمده و در مسجد  
کارخانه مشغول صحبت می شود. آخوند مزبور  
میگوید: "جنگ بزرگترین نعمت است لذا باید  
جوانان رشید جبهه ها را خالی نکنند". اما  
کارگران که گوششان از این صحبتها پر شده است،  
بطور پراکنده مسجد را خالی کردند و تنها عهد  
تقلیلی در داخل مسجد ماندند. کارگران بهنگام  
خروج از مسجد بیکدیگر می گفتند: "ما می گوئیم  
باید طرح طبقه بندی مشاغل در کارخانه پیاده  
شود، اینها نمیگویند جنگ را تمامش نکنیم  
کارگری میگفت ما اگر جنگ چیز خوبی است، چرا  
خودشان به جبهه هانمی روند ما که جنگ  
نمی خواهیم، مگر این جنگ چه گلی به سر ما  
زده است."

- در همین کارخانه "غرش پارس" از ابتدای  
جنگ یک روز حقوق کارگران را به منظور کمک  
به جبهه هاعلییرغم میلشیان کسر می نمودند،  
تا اینکه تعدادی از کارگران نزد انجمن  
اسلامی ریخته و از او میخواهند که دیگر  
از حقوقشان برداشته نشود. اما شخص  
انجمن در پاسخ به خواسته کارگران و قیحانه  
می گوید: "شما باید کارخانه قرار داد بسته  
اید که تا پایان جنگ ماهانه یک روز حقوق

پیش بسوی سازماندهی هژمونی طبقه کارگر

(به نقل از "پیام زحمتکشان" (۱) - مرداد ماه ۶۳ - ارگان هواداران سازمان کیلان)

● تنظا هرکات مردم بندرد یلم  
در تاریخ ۱۰/۵/۶۳ آب و برق بندرد  
د یلم قطع میگردد و بمدت یک هفته ادامه  
می یابد. مردم بندرد یلم از مرد وزن و -  
کودک با خشم فراوان به تظاهرات خیابانی  
می پردازند. با حمله سرکوبگران خمینی به  
آنها، مردم ساختمانهای دولتی را مورد  
هجوم قرار میدهند. در جریان درگیری ۶  
تن از پاسداران مجروح گشته و ۴ ماشینه  
آنها بوسیله مردم سوزانده میشود. مردم  
'قدام' به بستن یا همای ورود و خروج به بندرد  
می نمایند. شعار "مرگ بر پاسدار حامی  
سرمایه دار" و گهگاه شعار "مرگ بر خمینی"  
داده میشود. پس از آن پاسداران با بسیج  
نیروهای خود به بندرد حمله ور شده و بسبب  
دستگیری تعدادی از مردم شهر اقسام  
مینمایند که از سرنوشت آنها تا کسب خبری  
در دست نیست.

(به نقل از: زندگی نوین" (۷) - شهریور  
۶۳ - ارگان هواداران سازمان - شرق  
تهران)

● درگیری بین جنگ زدگان  
و حزب اللهی ها

خود را برای جبهه ها بفرستید و بنا براین  
تا زمانیکه جنگ ادامه دارد، حقوق شان نیز  
طبق معمول باید کسر شود."  
(به نقل از نشریه: "پیام کارگر" (۱۵) -  
مرداد ماه ۶۳ - ارگان هواداران سازمان  
قزوین)

● شعار "مرگ بر خمینی"  
در مراسم تشییع جنازه  
یک قربانی جنگ

اواخر مرداد ماه یک جوان که اصل  
رشت بود در جبهه کشته میشود. پاسداران  
مرتجع به خانه آن جوان رفته و موضوع را به  
خانواده اش اطلاع میدهند. در مراسم تشییع  
جنازه، خانواده جوان و دوستانش به رزیم  
فحش و ناسزا میدهند و شعار "مرگ بر خمینی"  
و "مرگ بر جنگ" را سر میدهند. طبق معمول  
پاسداران وارد محرمه شده و به خانواده  
جوان میگویند: "شما چقدر وحشی هستید،  
چرا مثل حیوان رفتار میکنید. مگر تا بحال  
شهید ندیده اید، معلوم میشود اولین شهید  
را داده اید" اما خانواده جوان همچنان به  
رژیم خمینی فحش میدهند و اگر مردم نیز بسا  
آنها شمیاری میکنند. پس از اتمام مراسم،  
خانواده جوان قربانی جنگ به منزل میروند  
اما پاسداران، در اطراف خانه می پلکند که  
میادای اعتراضی بلند شود.

تقصیر را از شهرداری و رئیس آموزش و پرورش دانسته و بهمین دلیل اخیراً شهر را ر و رئیس آموزش و پرورش محکوم می شوند و اولی به ۷۵ روز زندان و دومی به ۲ ماه زندان و پرداخت جریمه چند میلیون تومان. این مساله انعکاس وسیعی در سطح شهر داشته و مردم از آن در جهت انشای رژیم بهر برداری میکنند.

(به نقل از نشریه "پیام کارگر" (۱۵) مرداد ماه ۱۳۰۲ - ارگان هواداران سازمان قزوین)

### ● قبا و مت زنان زحمتکش

شهرک "قلعه حسن خان"

در روزهای ۴ و ۵ شهریور ماه امسال ماشینهای گت تخریب خانه های زحمتکشان با حمایت زاندارمیری و همراه با ماشینهای کمپرسی و جیب و جهت تخریب خانه های زحمتکشان شهرک "قلعه حسنخان" هجوم می آورند. ولی با مقاومت یکبارچه و قهرمانانه زنان زحمتکش محل مواجه میشوند. زنان مبارز یک دستگاه کمپرسی میزدوران را به آتش میکشند. زاندارمها فرار را برقرار ترجیح میدهند. در حرکت اعتراضی زنان زحمتکش مردان محل آگاهانه از شرکت در این حرکت خود داری کرده بودند و تنها اقدام مستقیم زنان زحمتکش، سرانجام

بقیه در صفحه ۳۱

در اواخر مرداد ماه در جریان یک عروسی بین جنک زندگان و حزری های شیواز نزاعی در میگیرد. حزب المپی که که پس از تحریک دستنویب گور بشده همیشه با جنک زندگان بد رفتاری میکنند، از فرصت استفاده نموده و همراه با پاسداران به کوی جنک زندگان حمله می نمایند، جنک زندگان با آب جوش و سنگ و آجر و کوکسل مولوتف به دفاع می پردازند. در این درگیری یک پاسدار و یک جنک زند، مجروح و تعدادی از جنک زندگان دستگیر می گردند.

(به نقل از: "زندگی نوین" (۷) - شهریور ۱۳۰۲ - ارگان هواداران سازمان - شرق تهران)

### ● اعتراض فرهنگیان "آبگیک"

(قزوین)

علیه تخریب خانه ها چند ماه پیش شهرداری قزوین بنا توافق رئیس آموزش و پرورش شهر و خانه فرهنگیان را در منطقه "آبگیک" بدلیل "خارج از محدوده" بودن تخریب میکنند. این مساله و سبب اعتراضات و شکایات و طوابع نویسی های گسترده فرهنگیان می شود. فرهنگیان آن چنان این حادثه را بی گنمی میکنند که حتی پای "مانعی" دادستان کل کشور را به منطقه میکشاند. "مانعی" در برابر اعتراضات فرهنگیان جا زده و



## پاسخ به نامه‌ها

نامه ای که با امضاء من ۱۰ پیش‌مرگه کردستان رفیق من با تشکر از لطفتان نسبت به نشریه رنگار کربلایی امیدوارم که در آینده بتوانیم بیش از پیش ستون پاسخ به نامه‌ها را بسازیم استفاده از همگامی خوانندگان نشریه پر بار کم - در رابطه با سه سوالی که مطرح کرده‌اید سعی می‌کنم در حد امکانات به سئوال‌تتان پاسخ بگویم .

سؤال اول : چرا همه نیروهای کمونیست با هم وحدت نمی‌کنند ؟ مگر همه یک ایدئولوژی ندارند ؟ علت این پراکندگی چیست ؟ شما برای از بین بردن این پراکندگی و بوجود آوردن وحدت و همکاری بین این نیروها چه برنامه‌ای دارید ؟

جواب : رفیق عزیز ، این درست <sup>است</sup> که کمونیسم یک ایدئولوژی است ، اما همیشه ایدئولوژی کمونیسم در پیوند با مبارزه طبقاتی سازد مانند هر طبقه کارگر و توده‌ها برای کسب قدرت سیاسی و استقرار سوسیالیسم - معنای واقعی خود را پیدا میکند و صرفاً وجه تشریح یا اطلاع و آگاهی از این ایدئولوژی بیانگر اعتقاد و وفاداری به آن نیست . بر این مبنا است که در مبارزه طبقاتی در هر

شرایط مشخص نیروهای سیاسی متفاوتی بر مبنای ادعای اعتقادشان به کمونیسم اما با تفسیرهای خاص خود از این ایدئولوژی که در واقع بیانگر زاویه برخوردشان به مبارزه طبقاتی است ، فعالیت میکنند . پس هر کس صرفاً به این دلیل که تحت عنوان و با نام کمونیست مبارزه میکند ، کمونیست نیست . بلکه کمونیست کسی است و یا نیرویی است که رابطه منطقی بین اصول عام این ایدئولوژی با شرایط مشخص مبارزه طبقاتی برقرار کند و بهترین خط و برنامه را برای هدایت مبارزه طبقه کارگر و توده‌ها داشته باشد و به اجرا در بیاورد . مسلم است بر مبنای اختلافاتی که این نیروها (نیروهای که مدعی کمونیسم هستند) در انطباق ایدئولوژی کمونیستی با شرایط مشخص دارند ، خط و برنامه‌های مختلفی شکل می‌گیرد . که این اختلافات نیز ، خود برخاسته از میزان دوری و یا نزدیکی آنها به خط و برنامه کمونیستی و حد پیوند و اتکاء آنها به پایگاه اجتماعی کارگری است .

و اما در شرایط مشخص در جنبش ما دلیل پراکندگی جنبش چپ (نیروهای مدعی کمونیسم) را در بحرانی که دامنگیر این نیروهاست میدانیم . به عبارتی دیگر دلیل اساسی ضعفهای جنبش چپ و از آنجمله پراکندگی آن ، بحرانی است که نتیجه بینش



تمام خلقی و در کنار آن غرض گزینی اید. ثولوزیک این نیروهاست. جنبش چپ در ایران هم از نظر ایدئولوژیک و هم بطحاط پایگاه اجتماعی هوست کارگری ندارد و بر اثر رشد مبارزه در جامعه و روشن شدن تناقضاتشان در برخورد به این واقعیت است که این ضعف پی برده و در تلاش برای پاسخگویی به آن هستند. برای بستر است که بدلیل آرزوی پایی های متفاوت از دلائل بحران و در پیوستن گرفتن راه حل های متفاوت به پراکندگی در چارر میشود.

پرمبنای شناخت و ارزیابی مازد لائل این بحران راه مقابله با آن را تلاش برای دستیابی به چهار چوب خط و برنامه کمونیستی و پایگاه اجتماعی و پیوند کارگری، یعنی مبارزه با بیشتر غیرولتری پوپولیستی (پیش تمام خلقی) در حوزه ایدئولوژی و سیاست و تلاش برای پیوند (مستقیم و تشکیلاتی) با طبقه کارگر و مبارزات آن میدانیم. از نظر ما این تنها ضامن موفقیت حرکت و تلاش نیروهای چپ برای (ایجاد حزب کمونیست و جمع و وحدت این نیروها بعنوان نمایندگان سیاسی طبقه کارگر است. اما در همین حال ما تلاش برای وحدت در چهار چوب تشکیل حزب و یا وحدت حزبی را تنها حوزه عملی برای برخورد همکاری و ائتلاف این نیروها نمیدانیم و وحدت عمل و همکاری آنها را مشروط به توافق آنها بر سر وحدت حزبی نمیکنیم.

در زمینه همکاری بین نیروهای انقلابی - بخصوص نیروهای چپ که مسلماً زمینه نزدیکی و همکاری

در بین آنها مساعدتر است - طرح عملی ما - تلاش برای تشکیل "جبهه واحد کارگری" است. جبهه ای که بر اساس ضرورت حرکت و تلاش از پائین در بین عناصر و نیروهای پیشرو مستقل و یا عنوانی این نیروها برای غلبه بر پراکندگی در بین صفوف طبقه کارگر شکل گرفته است. و بالتبع این تلاش میتواند بر سیر نزدیکی نیروهای چپ (مدعیان نمایندگی طبقه کارگر) در براتیک تانیر مثبت بگذارد. اصل ائتلاف و شرکت در این جبهه مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و پیشبرد این مبارزه از طریق سازماندهی مبارزات طبقه کارگر و توده ها است. گذشته از تلاشمان برای شکل دادن به چنین جبهه ای - ارتقاء روابط این نیروها به همکاری و ائتلافهای جبهه ای - در حوزه های متفاوت چه بر مبنای بلا تفرصها و یا حتی موارد همکاری در این راستا تلاش می کنیم، و حتی کوچکترین وحدت عمل و همکاری سیاسی با این نیروها را قدمی بزرگ برای تقویت انقلاب در مقابل رژیم اسلامی و سازماندهی تعرض توده های برای سرنگونی رژیم میدانیم. چرا که در شرایط فعلی ضرورت ائتلاف و همکاری طبقه کارگر با طبقه های دیگر و نیروهای سیاسی اعم از چپ و غیره بعنوان نمایندگان سیاسی این طبقات - ضرورتی اصولی و عینی است. و از همین زاویه است که این همکاریها را هیچگاه به توافق ایدئولوژیک یا برنامه ای مشروط نمیکنیم.

رفیق عزیز برای اطلاع و آگاهی بیشتر از زمینه

مواضع مادر این حوزه می‌تواند این مقالات را مطالعه کنید:

نگاتی درباره جبهه واحد کارگری - نشریه "راه کارگر" شماره ۶

جمع‌بندی مباحثات وحدت و بیانیه وحدت نشریه "راه کارگر" شماره ۴

"شورای ملی مقاومت و سیاست ائتلافی چپ" - "راه کارگر تئوریک" شماره ۱

سؤال دوم بنظر سازمان راه کارگر در مورد شورای ملی مقاومت بطور کلی چیست؟ آیا بعد از بیرون رفتن بنی صدر تغییری در آن ایجاد نشده است؟ نظرتان در این مورد چیست؟

جواب باز نظر ما سیاست شورای ملی مقاومت در سه زمینه اساسی در تعارض با خصمین دموکراسی انقلابی است که بطور خلاصه به آن میرد از هم:

۱- اعتقاد به دولت مذهبی و شورای ملی مقاومت با طرح شعار "جمهوری دموکراتیک اسلامی" برای استقرار یک دولت مذهبی در ایران میکوشد. از نظر ما تبدیل شدن مذهب در یک جامعه به ایدئولوژی حاکم و یا استقرار دولت مذهبی در واقع به معنای حقانیت بخشیدن به دولت مذهبی بر مبنای اعتقاد به حقانیت ایدئولوژی (مذهب) خویشش

است. طرفداران دولت مذهبی در واقع با برحق دانستن مذهب خود نسبت به ایدئولوژیهای دیگر به این نتیجه میرسند که دولتی که بر مبنای احکام و قوانین آن استقرار باشد برحق و برتر است. در نتیجه با سد کردن راه نیروهایی که معتقد به ایدئولوژیهای دیگر هستند در اداره جامعه عملاً سعی در تبدیل کردن نیروهای دیگر به تماشاگران و زائده‌ها قدرت سیاسی دولت خویش دارد. از آنجائیکه مذاهب اساساً بر مبنای احکام الهی (آسمانی) استقرار است و نه نظر و اراده خود مردم پس خود بخود دولتی که بر پایا بینش و احکام و قوانین شکل گیرد نیز در عمل راهی برای دخالت توده‌ها در حاکمیت (تأمین دموکراسی) نسبیگدارد. در کار این دولتهای مذهبی همواره از اعتبار مذهب در بین توده‌ها برای معتبر کردن و تحمیل یک دولت استناد میکنند.

۲- بکارگیری تاکتیک ضربتی برای سرنگونی رژیم و در پیش گرفتن تاکتیک ضربتی از سوی مجاهدین بعنوان یکی از دهنوی اصلی شورا، بیانگر بی اعتنائی این نیرو به ضرورت سرنگونی رژیم اسلامی از طریق سازماندهی اراده توده‌ای است. سازمان مجاهدین با اتکاء به نیروی سازمانی خویش به جای اراده توده‌ای، جلوی شرکت فعال و در نتیجه رشد و تربیت توده‌ها بر بستر مبارزه با رژیم و کسب

قدرت و اعمال حاکمیت توده ای را میگیرد .  
 در نتیجه مانع عمق یابی خواستها و نیازها را دیکالیزه  
 شدن مبارزات مردم میشود . از سوی دیگر  
 بیانگر بی اعتنائی مجاهدین به واقعیات ( )  
 ویژه گی های، مبارزه کونی ، ( آشفتنگی در صفوف  
 زحمتکشان ، پراکندگی در صفوف دموکراسی  
 انقلابی ) در جامعه ماست ، بی اعتنائی به  
 واقعیاتی که نقش اساسی در عدم رشد و گسترش  
 مبارزات توده ها برای سرنگونی رژیم اسلامی  
 دارند . تنها پاسخ اصولی به این ویژه گی ها  
 از نظر ما سازمان دادن یک مبارزه گسترده  
 توده ای و بزبستر آن تلاش برای تقویت  
 اتحاد و یکپارچگی در صفوف انقلاب و مقابله  
 با سیاست بهره برداری ضد انقلاب از این  
 آشفتنگی هاست ، و فقط از این طریق میتوان  
 قطب انقلابی مخالف رژیم را در بین توده ها  
 تثبیت کرد . در صورتیکه سیاست مجاهدین و  
 در راستای حرکتشان برای تسخیر قدرت بر  
 اساس محدودترین تکان و جایجائی در عرصه  
 سیاسی و اجتماعی ایران ، چنین فضائی را نبه  
 تنها برای عمق و گسترش مبارزات توده ای فراهم  
 نمیکند بلکه آنها را محدود کرده و تحت الشعاع  
 قرار میدهند . اتخاذ تاکتیک ضربتی برای  
 سرنگونی رژیم از سوی مجاهدین فقط بزرگ  
 چنین زمینه ای <sup>تایل</sup> توضیح است .

۳- تعیین یک دولت از پیش پلبرای  
 جایگزینی رژیم . در برنامه شورای ملی مقاومت

بر مبنای یک سازش بین چند نیروی سیاسی از  
 هم اکنون وظیفه تعیین دولت جایگزین برای  
 فردای پس از سرنگونی رژیم به مجاهدین سپرد  
 شده است . این امری بدیهی است که تلاش  
 ما برای سرنگونی رژیم تنها از طریق یک قیام  
 توده ای به نتیجه خواهد رسید . مسلماً  
 هر قیامی بر زمینه شرایط سیاسی خاصی تکیه  
 دارد که این زمینه سیاسی گذشته از اینکه در  
 بردارنده ویا تجلی <sup>تبادل</sup> قوا بین انقلاب ( اردوی  
 قیام کنندگان ) و ضد انقلاب است از سببوی  
 دیگر تعادل قوای بین نیروها و صفوف متفاوت  
 اردوی قیام کنندگان را نیز بروشنی در بردارد  
 اردوی قیام کنندگان از تجمع صفی و نیروهای  
 متضادتی تشکیل خواهد شد که هر یک باجهتی  
 معین ( ضامن طبقاتی متفاوت و در نتیجه برنا  
 و سیاست متفاوت ) در این قیام شرکت میکنند .  
 از نظر ما تکلیف دولت جایگزین را قیام کنندگان  
 تعیین خواهند کرد . یعنی نیروهای سیاسی  
 و تشکلهای توده ای که در سرنگونی رژیم  
 نقش داشته باشند . بعبارتی دیگر تعادل قوا  
 ( میزان فعالیت آنها برای سرنگونی رژیم و در  
 نتیجه اعتبار توده ای و قدرت مادی ) بیسن  
 نیروهای شرکت کننده در سرنگونی رژیم میزان  
 نفوذ و قدرت هر یک را در دولت آینده روشن  
 خواهد ساخت . و تنها چنین دولتی را میتوان  
 محصول واقعی قیام توده های مردم دانست

و برای آن مشروعیت انقلابی و مردمی قائل بود.

اینها مختصری بود از مواضع و نظرسر کلامهای ما در توضیح موضعمان نسبت به شورای ملی مقاومت و همانطور که قبلا نیز اشاره شد این سه حوزه را اساسا سنا همدخوانی برنامه و سیاست شورا با دیکراسی انقلابی میدانیم. هر چند که گذشته از این سه حوزه اساسی در موارد دیگر نیز اشکالاتی را می بینیم که در این بحث مشخص به آنها نمی پردازیم. بر مبنای دلائلی که در بالا آمد ما حضور و شرکت کونیستها را در این شورا نادرست ارزیابی کرده و به معنای پشت کردن به اصول ایدئولوژیک و ضایع طبقه کارگر میدانیم. از سوی دیگر سیاست مبارزه با شورای ملی مقاومت با هدف فروپاشی و نابودی آن در شرایط فعلی سیاستی به ضرر طیف اپوزیسیون مرفعی است چرا که ما حضور شورا و نیروهای اصلی آن - حزب دیکرات کردستان ایوان و سازمان مجاهدین خلق را در این شرایط به نفع مبارزه ترقی خواهانه علیه جمهوری اسلامی میدانیم.

و اما در رابطه با خروج بنی صدر از شورا، از نظر ما بنی صدر در دوره اخیر در ادامه سیاست اختلافپوش روی توافقی و نزدیکی با بورژوازی جمهوریخواه برنامه ریزی کرده بود و از سوی دیگر برای تماس و نزدیکی با

جناخهای میانه رو حاکمیت در تلاش بود و قصدش این بود که با کشاندن شورا به این موضع طیف و ترکیب شورا را هر چه بیشتر بورژوایی کرده و در نتیجه بخشی از نیروهای اپوزیسیون مرفعی را به ائتلاف با نیروهای ضد انقلابی مخالف و رقیب حکومت بکشاند. که در این رابطه موضع نیروهای اصلی شورا و در نتیجه خروج بنی صدر از شورا این تلاش را عقیم گذاشت.

تتها راه شورا برای جلوگیری از تضعیف روزافزوش و محدود شدن قدرت و گسترده گیش ستگیری پشت راه یکالینیم جامعه - نزدیکی به نیروهای چپ و کمونیست و تلاش برای سازماندهی توده ای - است. اما در تحولات اخیر - خروج بنی صدر - چهارچوب برنامه و سیاست شورا از این قوه خویش باقی است و در نتیجه این سیاست موضع گیری ما تغییر پیدا نکرده است.

سؤال سوم: نظر شما در مورد پیشمرگاتی بطور کلی چیست؟ و شرایط شما برای پذیرش پیشمرگه چیست؟

جواب: سازماندهی جنبش توده ای یک بخش از وظایف نیروهای انقلابی در راستای گسترش مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حاکمیت توده ای است و



فردی با هر برام و مسلکی برای تامیسن  
 د مکراس انقلابی در ایران و خود مختاری  
 برای خلق کرد میتواند در آن فعالیت کند ،  
 سلاح در دست گیرد و در جنگ مسلحانه  
 انقلابی در کردستان شرکت نماید . این  
 چکیده ای بود از نظر ما در مورد تشکیلات  
 یا سازمان پیشمرگه و معیارهای آن برای  
 پذیرش افراد بعنوان پیشمرگه در همین  
 چهارچوب کلی است بعلاوه اینکه فبهر  
 ما و طلب ضوابط و معیارهای سازمان ما را  
 در موارد و حوزه های جزئی و مشخص بپذیرد .

### گرا امیداشت ...

را منفر کردن و موجب اعتراض و ابراز اتزجار  
 مردم قروه را فراهم آوردند .

رفیق جمال همواره يك وسعت داشت  
 که برای رفقایش تکرار می کرد : " رفقای من  
 راهم را ادامه دهید ! "

چه آنان که اکین یا پیردانه در راه  
 سوسیالیسم می رزند و چه آنان که در راهند تا  
 به صفوف این رزندگان بپیوندند ، با وجود  
 و تلاش خویش ، استوار اعلام میدارند ،

رفیق ! هدعت پیانده ،

نام و راهت جاوید !

مسلم سازمانندان و پیشبرد مبارزات توده  
 ای متناسب با محور مبارزاتشان در هر  
 زمینه خاص احتیاج به تشکل ویژه خود دارد .  
 و اما در شرایط مشخص در کردستان پس  
 توجه به توده ای بودن مبارزه مسلحانه  
 ایجاد تشکیلات توده ای نظامی برای  
 سازمان دادن توده ها امری ضروری است  
 در حال حاضر به دلیل مختصات جنبش و  
 عملکرد نیروهای سیاسی آن چنین ارتشی که  
 باید پشابه يك تشکیلات د مکراتیک نظامی  
 فعال باشد ، پراکنده است و هر بخش آن  
 در شکلی دیگر و با مختصاتی که با مضمون  
 واقعی ارتش توده ای متفاوت است و پس  
 فاقد برنامه ای انقلابی برای هدایت آن  
 می باشد عمل می نماید .

خصوصیات تشکیلات پیشمرگه ( ارتش  
 توده ای ) از نظر ما چنین است .

۱ - برنامه این تشکیلات پایستی از  
 چهارچوب د مکراس انقلابی برنامه ای برای  
 ائتلاف نیروهای انقلابی در توازن موجود  
 طبقاتی باشد . برنامه ای که محورهای  
 اساسی آن : سرنگونی جمهوری اسلامی و  
 برقراری يك دولت انقلابی که محصول قیام  
 توده ها است - دولت انقلابی موظف به اجراء  
 و عملی نمودن د مکراس انقلابی است .

۲ - این تشکیلات با معیارهای يك  
 سازمان طبقاتی متفاوت بوده و از اینرو هر

۲ آذر ( ۲۸ نوامبر ) یکصد و شصت و چهارمین  
**سالروز تولد انگلیس برتنامی کارگران جهان مبارک باد**

۲۰ آذر ( ۱۹ دسامبر ) یکصد و پنجمین سالگرد تولد (استالین)  
**گرامی باد خاطره تابناک بلشویک بزرگ رفیق استالین**

( به مناسبت ۲۹ آذر سالروز تولد عوامزلی )  
**یاد حیدر خان عیو او غلی همواره گرامی باد**

### کبکهای دریافت شده

۱۰۰۰ تومان	عزیز - الف ۱۱۱
۱۰۰	رحمان - ج ۷۸۷
۱۰۰	محمد - ۵۶۷
۱۰۰	ملا احمد - ر ۴۳۲
۱۰۰	محمد امین - ع ۳۳۳
۱۰۰	رسول - ع ۲۱۵
۱۰۰	عبداله - خ ۹۹۹
۱۰۰	ابراهیم - خ ۶۶۶
۱۰۰۰	کرمانشاه - ب
۱۰۰	سندج - ع
۴۰۰	سندج - د

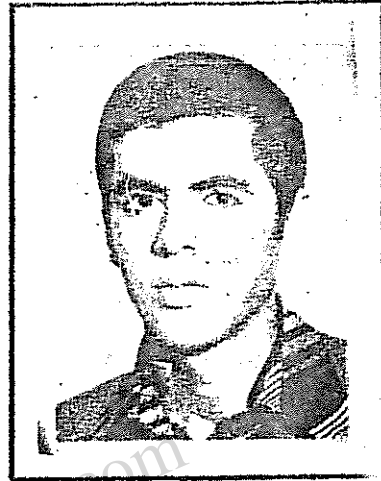
### اخبار جنبش ...

۰۰۰ مزدوران را مجبور به عقب نشینی نمودند  
 در روزهای بعد مزدوران رژیم با کمین نمودن  
 در نزد یک ساختمانهایی که قصد تخریب  
 آنها را داشتند، اقدام به دستگیری تعدادی  
 از مردان محل نمایند.  
 (به نقل از گزارش رسالی: واحد شهید  
 صمد ۱۰ / ۱ / ۶۳)

### دوستان و رفقا

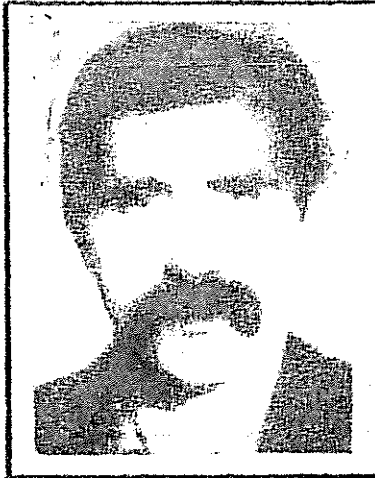
از هر طریق که میتوانید  
 کبکهای مالی خود را به این  
 کمیته

## گرامیداشت یادرفیق شهید



احمد بکشم موز (کاک شیر)

## گرامی باد خاطر رفیق شهید



بهروز جهانبخش (کاک نادر)

## گزارش تظاهرات ۲۷ اکتبر ۸۴ - آلمان (هانور)

## بر علیه کوچ اجباری

به دعوت نمیده همبستگی با جنبش مقاومت خلق کورد در ایران - هانور روز شنبه ۲۷ اکتبر ۸۴ تظاهراتی در اعتراض به سیاست "کوچ اجباری" و به آتش کشیدن و بمباران روستاها و قتل عام روستائیان بود. تاج و همچنین دلالان مقاومت حزبی خلقی رزمند، نود بر علیه این سیاست رنجانی رژیم جمهوری اسلامی با شرکت پیر از ۵۰۰ (مغز ایرانیان مبارز همی هانور و د همبند از عناصر مترقی آلمانی و ترک و ... که از این حرکت پشتیبانی کرده بودند) برگزار شد. واحد هانور کمیته خانی از کشور سازمان میا یادادن اسلامی و سرت فعال از این حرکت حمایت نمود.

بها ۵۰ ریال

(مقن اعذمیہ سادار صفحات ۱۴ و ۱۶)

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر